

شیوهی برخورد مناسب با دانش‌آموزان بی‌انضباط چیست؟

آموزگار با تجربه هیچ‌گاه سر دانش‌آموزان داد نمی‌زند یا به آن‌ها بی‌توجهی نمی‌کند، زیرا ممکن است این رفتار در کوتاه‌مدت پاسخ‌گوی رفتار نامناسب آن‌ها باشد، اما در بلندمدت اثر معکوس خواهد داشت. من در اولین تجربه‌ی آموزشی خود دریافتم، سکوت بیشتر از فریاد زدن در جلب توجه دانش‌آموزان مؤثر است. از این رو، پس از سکوت و مکثی کوتاه، به محض اینکه توجه دانش‌آموزان جلب می‌شد، به آموزش ادامه می‌دادم. به رفتار نامناسبی که دانش‌آموز از خود بروز می‌داد توجه نمی‌کردم و آن

اولین تجربه‌ی آموزشی من به‌عنوان آموزگار، تدریس در پایه‌ی ششم بود. دانش‌آموزانم خیلی شلوغ بودند و من به‌عنوان معلم تازه‌کار، کنترل کلاس برایم دشوار بود. وقتی دانش‌آموزان مرا اذیت می‌کردند و کلاس را به هم می‌ریختند، سریع عصبانی می‌شدم، داد می‌زدم و بعد در گوشه‌ای از کلاس می‌نشستم. به دانش‌آموزان دیگر تکلیف می‌دادم و دانش‌آموزان خرابکار را نادیده می‌گرفتم. بعدها فهمیدم، دو راهبردی که در کلاس به کار می‌گرفتم، به دانش‌آموزان بدرفتار نشان می‌داد که رفتارشان بیشترین تأثیر را روی من داشته است و چون هیچ تنبیهی برای رفتارشان در نظر نمی‌گرفتم، رفتار نامناسب آن‌ها تکرار می‌شد.

احساسم را بیان نکردم خرابکاری کردم!

شیوه‌های رفتار با دانش‌آموزان بی‌انضباط

دکتر نیره شاه‌محمدی





من هم می‌توانم با تو حرف بزنم

نگین مقصودی، شهرستان برخواستار

در کتاب خوانداری پایه‌ی چهارم درسی وجود دارد به نام باغچه‌ی اطفال که در آن سرگذشت **جبار باغچه‌بان**، این معلم دلسوز و فداکار، برای دانش‌آموزان آمده است. از مدت‌ها پیش در این فکر بودم که دانش‌آموزانم را با الفبای ناشنوایان آشنا کنم. به همین دلیل، الفبای ناشنوایان را در برگه‌هایی چاپ کردم و در اختیار تک‌تک دانش‌آموزانم قرار دادم. از آن‌ها خواستم فکر کنند اگر روزی دانش‌آموزی را دیدند که ناشنواست و خواستند با او صحبت کنند، به او چه می‌گویند و چگونه می‌گویند. بچه‌ها بسیار اشتیاق نشان دادند از اینکه می‌توانند با دوستی ناشنوا صحبت کنند. روز موعود فرا رسید. بچه‌ها سر از پانمی‌شناختند و لحظه‌شماری می‌کردند که جمله‌ی خود را با زبان اشاره بیان کنند. کلاس ساکت بود و بچه‌ها به دست‌های دوستانشان چشم دوخته بودند. هر یک از بچه‌ها آمدند و جمله‌ی زیبای خود را بیان کردند. بهترین جمله‌ای که توجه من را به خود جلب کرد، این بود: «من هم می‌توانم با تو حرف بزنم.»

را تقویت نمی‌کردم. این کار باعث می‌شد که رفتارهای نامناسب خاموش و احتمال تکرار آن‌ها کم شود. مثلاً اگر به دانش‌آموزی که بی‌اجازه صحبت و مرتب حرف دیگران را قطع می‌کرد، توجهی نمی‌کردم، کم‌کم این رفتار خاموش می‌شد.

همچنین، آموختم که درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و راهنمایی آنان، برای انجام فعالیت‌ها، هدایت آن‌ها از یک فعالیت به فعالیت دیگر، دیگر برای نشان دادن رفتار نامناسب، زمانی به آن‌ها نمی‌دهد.

بنابراین، به‌عنوان معلم آگاه:

همواره بر ایجاد روابط دوستانه و مبتنی بر احترام با دانش‌آموزان تلاش می‌کنم. دستورات مبهم، کلی و تکراری نمی‌دهم به جای سخنرانی و بحث و جدل، کوتاه و مؤثر با لحنی محکم ولی در کمال آرامش، رفتار نامناسب دانش‌آموز را به او گوشزد می‌کنم و می‌گویم که رفتارش در کلاس و بر دیگران چه تأثیری گذاشته و اگر از این رفتار خود دست بردارد، چه عاقبتی در انتظار اوست. به‌عنوان آموزگار حرفه‌ای، عاقبتی را برای رفتار نامناسب دانش‌آموز مشخص می‌کنم که شدنی و کوتاه‌مدت باشد. پس از اصلاح رفتار نامناسب در دانش‌آموز، او را با کلام و هدایای مورد علاقه‌اش تشویق می‌کنم.

همچنین، با مشارکت دانش‌آموزان، فهرستی از مهم‌ترین قوانین در کلاس و مدرسه به ترتیب اهمیت و همراه با روش انجام دقیق آن‌ها تهیه می‌کنم و پس از مشخص کردن نوع محرومیت، برای انجام ندادنشان، آن‌ها را با قاطعیت در کلاس با کمک دانش‌آموزان اجرا می‌کنم. عوامل مشکل‌ساز در کلاس را شناسایی و برای رفع آن‌ها اقدام می‌کنم. به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی، اجتماعی، اقتصادی دانش‌آموزان توجه و سعی می‌کنم فرصتی ایجاد کنم تا دانش‌آموزان بتوانند درباره‌ی رفتارهای نامناسب خود فکر کنند. از تنبیه بدنی به‌طور جدی خودداری می‌کنم و در صورت نیاز، از محروم‌سازی‌های کوتاه‌مدت استفاده می‌کنم. برای شنیدن مسائل و مشکلات دانش‌آموزان وقت می‌گذارم. از سرزنش، تحقیر کردن و مقایسه‌ی دانش‌آموزان به‌طور جدی خودداری می‌کنم. آموزش مهارت‌های کنترل خشم به دانش‌آموزان در اولویت کارهای من قرار دارد. غالباً یکی از دلایل عصبانیت و ناراحتی دانش‌آموزان این است که نمی‌توانند احساسات خود را به درستی بیان کنند. می‌توان با کمک عکس و فیلم و نقاشی، انواع احساسات مانند خشم، ترس، شادی و غم را به آن‌ها آموزش داد، زیرا بسیاری از ناسازگاری‌های دانش‌آموزان به دلیل ناآشنایی معلمان و والدین با مهارت‌های زندگی است؛ مهارت‌هایی ارتباطی مانند گوش دادن، ابراز وجود، حل مسئله و تصمیم‌گیری و دیگر مهارت‌های زندگی را خود بیاموزیم و به دانش‌آموزان نیز آموزش دهیم.

منبع

Orange, Carolyn (2008) The biggest mistakes that teachers make, and how to avoid them, sage publication, USA